



کاری جز خواندن و نوشتن در زندگی ندارم

من یک معلم روستایی هستم و بدون تواضع بگویم همیشه شغل معلمی را دوست داشته ام. من هیچ وقت از آن دسته معلم هایی نبودم که برای حضور در کلاس مطالبی را از قبل آماده کنم و ارائه بدهم. یادم می آید که یکبار سر یکی از کلاس هایم دکتر محمدرضا بهشتی، که از شاگردان من بودند گفت: کلاس شما، کلاس درس نیست کلاس نکته هاست و من این گفته را مدح تلقی کردم و بسیار خوشحال شدم. مایه افتخار من است که در کلاسم نکته بگویم.

من فکر می کنم سادگی روستایی، من را مورد محبت شما قرار داده است. من از ۱۳-۱۲ سالگی با شعر و رمان بزرگ شدم. یکی از مهمانانی که امروز اینجا هستند و من هم توقع داشتم و هم توقع نداشتم که باشند آقای نقویان است. ارتباط و نقطه اشتراک من با ایشان انس با حافظ است. البته پیش از آن خواندن اشعار حافظ، خواندن شعر را با فردوسی آغاز کردم و حتی دوست داشتم چیزهایی درباره او و قصه رستم و سهراب بنویسم ولی هیچ وقت این اتفاق نیفتاد. از نظر من شعر و فلسفه با هم خویشاوندند و هر دو روی دو قله ایستاده اند. من سه دوره با حافظ مانوس بوده ام؛ اولین دوره، دوران جوانی و نوجوانی بود که اشعار رمانتیک حافظ را دوست داشتم. دومین دوره، دوره ای بود که تحت تاثیر فرید بودم و به اشعار پیچیده و مشکل حافظ توجه داشتم. دوره آخر هم که مربوط به زمان فعلی است، به اشعار ساده حافظ علاقمند شدم و می خوانم. همه صحبت هایی که امروز مهمانان درباره من کردند مایه سرافرازی من و همه از سر لطف و صدق است. واقعیت این است که من صادقانه فکر می کنم کشورم را دوست دارم و می خواهم بدانم کجا هستیم و قرار است به کجا برویم؟ پرسش از اینکه ما کجای تاریخ هستیم پرسش بی اهمیتی نیست. تاریخ محقق ما هستیم. بعدها می توانیم به خودمان رجوع و خودمان را تحلیل کنیم. ما توانایی برای آینده شدن داریم و آینده خود ما هستیم. اینکه بدانیم آیا آمادگی برای محقق شدن چیزی که در آینده قرار است بشود را داریم یا نه بسیار مهم است. آینده، معلوم و قابل تصرف نیست، ما قرار است آینده شویم و می توانیم متمکن زمان شویم. ما باید درباره آینده تامل کنیم و ببینیم چه می توانیم بکنیم. من روی واژه می توانم و چه می توانم بکنم خیلی فکر می کنم. فهم ما، توانایی ما و توانایی ما فهم ماست. البته این نباید باعث شود که علم انتزاعی را به آنچه هستیم مقدم بداریم. پیش از برنامه امروز، مراسم اینچینی توسط افرادی چون مهدی محقق، غلامرضا اعوانی، محمد رجبی، عبدالله جاسبی و... برایم برگزار شده بود. بنده در عین سپاسگزاری از برگزارکنندگان برنامه های این چنینی معتقدم که بهتر است این اظهار لطف ها یکبار باشد. لازم نیست

این همه مجلس و سمینار بی مصرف درست کنیم و حرف های تکراری بزنیم. بهتر است این پول ها را در راه های بهتری هزینه و اعتدال را رعایت کنیم. اینکه بزرگان را عزیز بداریم خوب است به شرطی که این عزیز دانستن در رفتار و کردارمان هم باشد. اگر این مراسم به منظور احترام به مقام علم است خوب است که علم را در همه جای جامعه محترم بشمریم. خدایا شاکرم که رعایت سن من و پرکاری من را می کنید. برخی به من می گویند چرا برای هر چیزی آنقدر می نویسی. باید بگویم من در زندگی کار دیگری جز نوشتن ندارم و از همین بابت از خدا شاکرم.